

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بررسی کلام مرحوم شیخ در مورد مجاری اصول عملیه

بحث در مورد مجاری اصول عملیه بود که با حصر عقلی بیان شده است و مقصود از حصر عقلی، حصری است که دائر مدار نفی و اثبات است. گفتیم مرحوم شیخ در کتاب رسائل سه بیان برای مجاری اصول دارند و بین این بیاناتها فرقهایی وجود دارد. اصل بیان را در درس دیروز عرض کردیم، حال باید ببینیم از هر بیانی چه ملاکی استخراج می‌شود؟ یعنی ملاک بیان شده برای تخییر در بیان اول، با ملاک برای تخییر در بیان دوم چه فرقی دارد؟ بیان اول این بود که شک، یا حالت سابقه دارد و یا ندارد؛ و اگر ندارد، یا احتیاط امکان دارد یا ندارد؛ جایی که احتیاط امکان دارد، یا شک در تکلیف است و یا شک در مکلف به. لازمی این بیان آن است که تخییر فقط یک قید دارد؛ و آن این که هر جا احتیاط امکان ندارد، آنجا محل تخییر است. و در صورتی که احتیاط ممکن است، یا شک در تکلیف است و یا شک در مکلف به؛ اگر شک در تکلیف باشد، برائت و اگر شک در مکلف به باشد، جای احتیاط است که بعد توضیح می‌دهیم. بنابراین، نتیجه بیان اول این است که هر جا احتیاط امکان ندارد، مجرای تخییر است، و در این مثال که محور برای اشکال مرحوم آخوند است، این است که اگر مکلف شک کند بین الوجوب و الحرمة و الإباحة، چون در اینجا احتیاط امکان ندارد، باید طبق این بیان اول مجرای برای تخییر باشد. در حالی که بنا بر بیان دوم - این بود که یا حالت سابقه دارد یا ندارد؛ جایی که حالت سابقه ندارد، یا شک در تکلیف است و یا شک در تکلیف نیست؛ اگر شک در تکلیف است، برائت جاری است - وقتی شک می‌کنیم شیئی واجب است یا حرام یا مباح؟

این هم یکی از مصادیق شک در تکلیف است و مجرای برائت است. پس، این مثال، طبق بیان اول مجرای برای تخییر است، و طبق بیان دوم، مجرای برای برائت است. به عبارت دیگر، طبق بیان اول، تخییر یک قید دارد و آن این که احتیاط امکان نداشته باشد ولی برائت دو قید دارد که هر دوی آنها وجودی است؛ می‌گوئیم: **أمكن الاحتياط والشك في التكليف**؛ اما طبق بیان دوم، برائت یک قید دارد و آنهم شک در تکلیف است، و دیگر کاری نداریم که احتیاط برایش امکان دارد یا نه. لیکن در بیان دوم، تخییر دو قید عدمی دارد؛ یکی اینکه شک در تکلیف نباشد - چون در این بیان، تخییر داخل در شک در مکلف به قرار گرفت - و دوم اینکه احتیاط امکان ندارد. **أن لا يكون الشك في التكليف وأن لا يمكن فيه الاحتياط**. احتیاط در بیان اول، دارای دو قید ورودی بود که می‌گفتیم **إذا كان الشك في المكلف به وأمكن الاحتياط**، اما احتیاط در اینجا یک قید وجودی دارد و یک قید عدمی. قید عدمی‌اش عبارت است از این که شک در تکلیف نباشد؛ و قید وجودی‌اش این که جایی باشد که احتیاط امکان دارد. پس، بین بیان اول و دوم این فرقه‌ها وجود دارد.

اشكال مرحوم آخوند خراساني بر نظر مرحوم شيخ انصاري

بعد از روشن شدن اين ملاكها و فرقها، مي آئيم سراغ مناقشات مرحوم آخوند. مرحوم آخوند يك اشكال، و به قول خودشان يك نقض دارند كه هم به بيان اول مرحوم شيخ و هم به بيان دوم ايشان وارد است. آن نقض اين است كه اگر ما بين وجوب شئ و حرمت شئ ديگر شك كنيم، بگوئيم يا خداوند تبارك و تعالي دعا عند رؤيت الهلال را واجب کرده و يا شرب توتون را حرام کرده است، در اينجا هم طبق بيان اول و هم طبق بيان دوم مرحوم شيخ بايد برائت جاري شود؛ براي اينكه در هر دو ما شك در تكليف داريم، نمي دانيم بالأخره دعا وجود دارد يا نه؟ توتون حرام است يا نه؟ فرق برائت در بيان اول و دوم اين بود كه در بيان اول دو قيد دارد **أن يكون الشك في التكليف و أمكن الاحتياط**، ولي در بيان دوم فقط **أن يكون الشك في التكليف** بود؛ بالأخره در هر دو بيان بايد شك در تكليف باشد؛ اينجا هم ما شك در تكليف داريم، پس بايد برائت جاري شود؛ در حالي كه هم مرحوم شيخ و هم ساير اصوليين در چنين موردی احتياط را جاري مي كنند. اين نقض اول. بعد مرحوم آخوند مي فرمايد: ما يك اشكال مشترك بين بيان اول و سوم نيز داريم؛ و آن همين مثالي است كه عرض كرديم؛ اگر كسي بين الوجوب و الحرمت و الاباحه شك كند، مقتضاي بيان اول اين است كه تخير در جايي است كه احتياط امكان ندارد و مقتضاي بيان سوم هم همين است؛ يعني در اين جهت، بين بيان اول و سوم فرقي نيست؛ هم از بيان اول استفاده مي شود كه تخير يك قيد دارد و هم از بيان سوم، و آن قيد هم عدم امكان احتياط است؛ هر جا احتياط امكان ندارد، مي خواهد شك در تكليف باشد يا نباشد، مي خواهد شك در مكلف به باشد يا نباشد. اينجا نيز احتياط امكان ندارد، پس مجري تخير است؛ در حالي كه اينجا مجري برائت است. اينجا جاي بحث از تخير نيست؛ شك شما در اينجا به اصل تكليف برمي گردد و بايد برائت جاري شود. اين هم اشكال دومي كه مرحوم آخوند در حاشيه رسائل بيان فرموده اند. ايشان يك اشكالي هم به بيان سوم دارند؛ مي فرمايد: جايي كه دوران بين وجوب و حرمت است، طبق بيان سوم بايد برائت جاري بشود چون شك در تكليف است؛ چون دليلي بر وجوب يا حرمت نداريم، پس بايد مجري برائت باشد؛ در حالي كه همه مي گويند اين دوران بين محذورين است و مجري تخير است. اين اشكالات مرحوم آخوند بود.

بررسي مراد از تكليف در كلام مرحوم شيخ انصاري

اينجا چند نكته را عرض كنيم تا بحث براي شما روشن تر شود. **اولين نكته** اين است كه در شك در تكليف، سؤال اين است كه **ما هو المراد من التكليف**؟، آيا مراد از تكليف، نوع تكليف است يا آن كه مراد اعم از نوع و جنس؟ اين اشكالات و نقض هايي كه مرحوم آخوند آوردند، مبتني بر اين است كه مراد از تكليف نوع باشد. مثلاً در همان اشكال اول كه شك داريم دعا عند رؤيت الهلال واجب است يا شرب توتون حرام است؟ اگر گفتيم مراد از تكليف نوع است، اينجا نوع كه وجوب است، براي ما مشكوك است؛ و نوع كه حرمت است، براي ما مشكوك است؛ پس، مي شود شك در تكليف و مجري برائت. اما اگر در همين مثال، گفتيم مراد از تكليف، اعم از نوع و جنس است، وقتي مي گوئيم اگر شك در تكليف داريد، جايي كه علم به جنس داريد اما نوع را نمي دانيد، مي دانيد شارع الزامي براي شما آورده اما نمي دانيد اين الزام ضمن وجوب دعا عند رؤيت الهلال است يا ضمن حرمت شرب توتون، اينجا ديگر شك در تكليف نيست؛ چون شما به جنس علم داريد. اگر آمديم شك در تكليف را اينطور معنا كرديم و گفتيم يعني **لا بنوعه و لا بجنسه**، به هيچ كدام علم نداشته باشيد و در هر دو شك داشته باشيد، در اين صورت، در جايي كه علم به جنس هست اما نسبت به نوع شك هست، ديگر شك در تكليف نيست. شك در مكلف به هم نيست، چون اصطلاح شك در مكلف به اين است كه ما مي دانيم شارع وجوبي آورده، نوع براي ما روشن است، اما نمي دانيم اين وجوب به صلاه جمعه تعلق پيدا کرده يا به صلاه ظهر؟

اين را اصطلاحاً مي گوئيم شك در مكلف به. پس، با روشن شدن اين نكته كه اگر مراد شيخ و ديگران از شك در تكليف، نوع تكليف باشد، اين اشكالات مرحوم آخوند وارد است؛ براي اينكه در اين موارد، ما نسبت به نوع شك داريم، هرچند كه نسبت به جنس علم داريم. اما اگر مرحوم شيخ بگويد: وقتي من مي گويم شك در تكليف، فرقي نمي كند كه نوع تكليف باشد يا جنس تكليف.

جايي كه جنس را بدانيد، من شيخ انصاري آن را از مصادر شك در تكليف نمي دانم، نتيجه اين مي شود كه در جايي كه شك دارم يا دعا عند رؤيت الهلال واجب است يا شرب توتون حرام است، جنس كه عبارت از الزام است، براي ما معلوم است، پس از مصاديق شك در تكليف نيست تا با ما دعوا كنيد اينجا طبق بيان شما براءت است. نه، مرحوم شيخ نيز مثل مرحوم آخوند در اينجا قائل به احتياط است. پس، اشكال مرحوم آخوند در فرضي وارد است كه مراد مرحوم شيخ از تكليف، خصوص نوع باشد؛ اما اگر مرحوم شيخ بگويد مراد از تكليف، اعم از نوع و جنس است، اين اشكال وارد نيست. و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين.